


منطق حاکم بر صلح و راهکارهای دستیابی به تفکر صلح‌آمیز اسلامی از دیدگاه امام خامنه‌ای

معصومه اسماعیلی / استادیار گروه فلسفه و کلام دانشکده هدی

masomehesmaeli@yahoo.com  orcid.org/0009-0005-0655-8130

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0> دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۰ - پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۸

چکیده

تفکر پایه عمل است و فکر می‌تواند جنگ‌طلبانه یا صلح‌آمیز باشد و در این دوگانگی انواع تفکر، تفکر صلح‌آمیز با شرایطی خاص، دارای فضیلت است. بنابراین سؤال این است که اولاً، منطق حاکم بر صلح از دیدگاه مقام معظم رهبری چیست؟ و ثانیاً، راهکارهای دستیابی به تفکر صلح‌آمیز کدام‌هاست؟ البته پاسخ به این سؤال از آن نظر اهمیت دارد که نوع مواجهه مذاهب اسلامی در طول تاریخ، متفاوت بوده و گاه بر محور عداوت قرار گرفته و همین موجب تضعیف جبهه اسلام در برابر دشمنان شده است. بنابراین پرداختن به مسئله تفکر صلح‌آمیز در میان مذاهب اسلامی، اهمیت و ضرورت دارد. فرضیه مقاله این است که منطق حاکم بر صلح، «صلح عدالت‌محور» بوده و مقام معظم رهبری برای دستیابی به تفکر صلح‌آمیز عدالت‌محور، راهکارهایی ارائه نموده است. نتیجه اینکه هر صلی دارای ارزش نیست و سکوت در برابر ظالم، مطرود است. همچون راهکارهای دستیابی به صلح، «همگرایی»، «تمرکز بر اشتراکات»، «حرکت بر پایه اصول»، «تکیه بر مظاهر وحدت»، و «داشتن نگاه تمدنی» است. تحقق این راهکارها در جامعه، موجب صلح ملت‌ها شده، تنازعات را کاهش می‌دهد. بیان نتایج و اثبات فرضیه از طریق مطالعه بیانات مقام معظم رهبری و برخی مکتوبات ایشان انجام شده، سپس با شیوه «تحلیلی» راهبردهای ایشان استنباط، استخراج و تبیین گردیده است.

کلیدواژه‌ها: صلح، عدالت، نظام اسلامی، راهکار، مقام معظم رهبری.

جنگ از شیپور کسی دمیده می‌شود که تفکری ستیزه‌جویانه دارد و صلح به‌دست کسی ایجاد می‌شود که به دنبال ایجاد عدالت و تفاهم است. بنابراین فکر، مایه و پایه عمل است و منازعات فرقه‌ای میان مسلمانان که سال‌هاست ادامه دارد و مانع از عملیاتی‌سازی اصل وحدت است، در اثر تنازعات عقیدتی و کشاندن تنازعات به کف خیابان و میدان اجتماع ایجاد شده است.

مسئله مقاله منطق حاکم بر صلح و راهکارهای آن از دیدگاه مقام معظم رهبری است و فرضیه مقاله این است که ایشان با بیان «عدالت» به‌مثابه شرط صلح، به مرزکشی میان صلح ارزشمند و صلح مطرود پرداخته و راهکارهایی برای تحقق صلح ارزشمند بیان کرده است.

بنابراین سؤال این است که منطق حاکم بر صلح، از دیدگاه مقام معظم رهبری چیست؟ و راهکارهای دستیابی به تفکر صلح‌آمیز میان مذاهب اسلامی کدام است؟ قلمرو تحقیق در جهت پاسخ به سؤال، دیدگاه‌های امام‌خانه‌ای در خصوص منطق حاکم بر صلح و راهکارهای دستیابی به تفکر صلح‌آمیز است.

مسئله «تفکر صلح‌آمیز در چارچوب صلحی ارزشمند» از این نظر دارای اهمیت و ضرورت است که از دیدگاه مقام معظم رهبری، دستیابی به صلح و فرونشاندن تنش‌های منطقه‌ای و تنازعات مذاهب اسلامی، یک سیاست است و این سیاست بر اصل «ضرورت وحدت» متکی است؛ بدین معنا که به علت ضرورت وحدت اسلامی، باید به دنبال رفع تنازعات بود تا تنش‌های منطقه‌ای فروکش کرده، پیشرفت، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی اسلامی محقق گردد.

دستیابی به تفکر صلح‌آمیز نیازمند رعایت اصولی است که مسیر این تفکر را هموار ساخته، به تحقق آن کمک کند. بنابراین باید به راهکار و منطقی‌اندیشید که مسلمانان را به صلح مجهز کرده، از این طریق، امنیت ایشان را بیش از پیش تأمین کند؛ زیرا نسبت صلح و امنیت نسبتی انکارناپذیر و ضروری است؛ همان‌گونه که نسبت تنازع و عدم امنیت نیز نسبتی انفکاک‌ناپذیر است. از این رو برای تقویت ساختار دفاعی امت واحده اسلام و تأمین امنیت نظام اسلامی، دستیابی به تفکر صلح‌آمیز، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است و به همین سبب، وحدت و همگرایی آرمان بزرگ امام راحل بوده است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۶۸/۴/۱۲).

«دستیابی به تفکر صلح‌آمیز» عنوانی است که با وجود اهمیت آن، توسط نظریه‌پردازان و محققان الهیات، مطالعه جدی بر آن صورت نگرفته است. اما در حوزه عملیات، راهکارهای عملیاتی دستیابی به صلح، در شکل تقویت گفت‌وگو میان عالمان مسلمان اجرا شده است. با توجه به اینکه اصلی‌ترین راهکار برای رسیدن به تفکر صلح‌آمیز، مسئله «همگرایی» است، می‌توان گفت: مقالات و آثار نوشته‌شده در زمینه همگرایی، با واسطه می‌تواند پیشینه این مسئله باشد.

مقاله «گفتمان وحدت و همگرایی امت اسلامی در اندیشه سیاسی امام‌خانه‌ای» (آقایی، ۱۳۹۳) یا مقالاتی همچون «وحدت جهان اسلام از دیدگاه امام خمینی» (آذین و همکاران، ۱۳۹۳) و «جایگاه وحدت و انسجام در اسلام با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری» (قاسمی و حسینی، ۱۳۹۲) تا حدی به این راهکار صلح‌آمیز توجه کرده‌اند. موضوع «همگرایی» در غالب مقالات، برای اثبات جایگاه و ضرورت این اصل مدنظر قرار گرفته، ولی همگرایی به‌منزله چگونگی الگوسازی، در اصلاح تفکر مطمح‌نظر قرار نگرفته است.

مقاله «صلح جهانی، زیر سایه عدالت جهانی» (خامنه‌ای، ۱۳۸۱)، صلح را در خدمت عدالت تعریف کرده که منطق معنایی صلح است؛ اما صرفاً به این مقوله توجه کرده و به راهکار نپرداخته است؛ زیرا اصلاً موضوع ایشان پرداختن به راهکارها نبوده است.

نیز لیندا بریسکمن (۱۳۹۹) در مقاله «ایجاد تفاهماتی برای صلح، عدالت و حقوق بشر» به مفاهیم حقوق بشری و چارچوب‌های قانونی برای استناد به این مفاهیم پرداخته که در جای خود، اثری قابل نقد است؛ اما الگویی ارائه نکرده و به اسنادی هم استناد کرده که در تبیین حقیقی حقوق بشر، ابترند. بنابراین جای پرداختن به الگویی که رهبر انقلاب بیان کرده خالی است. این مقاله درصدد است از مجموع بیانات ایشان به الگویی مناسب دست یابد.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. «صلح»

کلمه «صلح» به معنای «الصَّلَاح» یعنی خوبی و نیکویی یا به معنای اُستی اقوام با همدیگر است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۱۷؛ صاحب‌بن‌عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۵۹) نیز «صلح» نقیض «فساد» است (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۴، ص ۱۴۲؛ جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۱، ص ۳۸۳). بنابراین مفهوم «صلح» در این مقاله به معنای «اُستی» و دارای معنایی نقیض «فساد» است.

۱-۲ و ۱-۳. «همگرایی» و «وحدت»

«همگرایی» از نظر چارچوب مفهومی، به معنای «وحدت» بسیار نزدیک است. «وحدت» در لغت به معنای انفراد و یکی بودن، پیوستگی و عدم تفرق است (صاحب‌بن‌عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۸۱؛ جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۲، ص ۵۴۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۵۷). بنابراین جوهره معنایی «وحدت»، پیوستگی و یکی بودن است؛ اما «همگرایی» اگرچه نزدیک به این معناست، اما دقیقاً به همین معنا نیست. «همگرایی» به معنای تقارب است و «همگرا» به معنای به‌هم‌کننده و پیونددهنده به کار می‌رود (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۴، ص ۲۰۸۲۴؛ عمید، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۹۰۴) یا به معنای آن است که با دیگری دارای یک گرایش و هدف و میل است (عمید، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۹۰۴).

این اصطلاح معمولاً در مقابل «واگرایی» قرار دارد (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۶، ص ۳۲۱) و در علوم سیاسی بیانگر شرایطی است که در آن، سازمان‌های گوناگون، با حذف عوامل اختلاف‌برانگیز و تعصبات خاص، به سود اهداف و منافع مشترک، تا به حدی به هم نزدیک می‌شوند که نظام جدیدی از روابط، جایگزین نظام پیشین می‌گردد (ولایتی و محمدی، ۱۳۸۹).

بنابراین در مجموع، «همگرایی» اگرچه معنایی نزدیک به «وحدت» دارد، اما مانند وحدت به معنای یکی شدن نیست، بلکه به معنای پیوند دو فرد یا دو گروه در فکر یا هدفی مشترک است.

معنای مختار «وحدت» در تفکر مقام معظم رهبری، نزدیک به معنای «همگرایی» است. از منظر مقام معظم رهبری، «وحدت» به معنای اتحاد مسلمان‌ها با محوریت کتاب خدا و سنت نبی اکرم ﷺ و شریعت اسلامی و دشمنی نکردن ایشان با یکدیگر است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۶۸/۷/۱۹)؛ اما معنای این اتحاد یکی شدن

نیست، بلکه ایشان معتقدند: «وحدت» در پیروان مذاهب به معنای احساس برادری مذاهب است و «برادری» بدین معنا نیست که شیعه، سنی و سنی شیعه شود. نیز به معنای یکی شدن عقاید و مذاهب اسلامی نیست (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۵/۵/۳۰). بلکه به معنای تأکید بر نقاط مشترک و کم‌رنگ ساختن نقاط اختلاف و افتراق است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۶/۷/۲۴).

۴-۱. «تمدن»

«تمدن» از دیدگاه دهخدا/ به معنای «شهرنشینی» است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۶۱۰۹؛ معین، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۱۳۹) و از دیدگاه ابن‌خلدون، حکایت از حالت اجتماعی انسان دارد که موجب تکامل جامعه می‌شود (ابن‌خلدون، ۱۳۹۱، ص ۱۵۷).

۲. منطق حاکم بر صلح با الگوی اسلامی

اصولاً منطق معیار خطاگیری است و آنچه دارای منطق است می‌تواند خود را از خطا ایمن سازد. از این‌رو در مقاله حاضر یکی از سؤالات این است که منطق حاکم بر صلح در تفکر راهبردی مقام معظم رهبری چیست؟ در پاسخ، ابتدا باید دانست که صلح در جهت ایجاد برادری امری ارزشمند است؛ اما هر مفهوم ارزشمندی در یک منطق معنایی خاص، دارای ارزش است. مقام معظم رهبری درباره اهمیت صلح، معتقد است: این مقوله از جمله نیازهای بشر و موجب سلامت محیط پرورش انسان است:

«سلامت محیط پرورش آدمی» به معنای آن است که بشر با خدای خود، با درون خود، با هموعان خود و با طبیعت پیرامون خود با صلح و سلامت رفتار کند. «صلح» به این معنای عام یکی از بزرگ‌ترین نیازهای بشر برای رشد و تعالی و رستگاری است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۹/۶/۹).

اما باید به این نکته مهم اشاره کرد که صلح به‌خودی‌خود دارای ارزش و اعتبار نیست، بلکه منطق حاکم بر آن موجب ارزش و اعتبار صلح خواهد شد. صلح از دیدگاه مقام معظم رهبری باید برخاسته از ایمان و اندیشه باشد، وگرنه وجود سکوت ناشی از غلبه و رعب و فریب ارزشی ندارد. از دیدگاه ایشان، «صلح شایسته» آن است که بر مبنای عدالت، معرفت به کرامت انسان و به دور از اغراض قدرتمداران عالم استوار باشد. بنابراین هر چه به‌عنوان صلح مطرح می‌شود، به خودی‌خود دارای ارزش نیست.

ایشان معتقد است: اساساً دین اسلام دین اتحاد، برادری و صلح جهانی است؛ اما منطق صلح در اسلام، آشتی و اتحاد ظالم با مظلوم نیست؛ زیرا چنین صلحی در حقیقت به‌منزله فشردن دست جلاد بر سر جنازه شهیدان عدالت است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۰/۱۲/۱). بنابراین صلح نمی‌تواند با ظلم یکجا جمع شود (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۲/۲/۸).

در نتیجه، «صلح ارزشمند» صلح همراه با عدالت است. در حقیقت، ایجاد محیطی سالم و صحیح برای معیشت انسان و دنیایی فارغ از ظلم، از ابتدا هدف پیامبر گرامی ﷺ بوده و مفهوم «قسط و عدل» از چنین جهانی حکایت می‌کند. بنابراین جهان موعود جهانی سالم برای زندگی انسان و محیطی آمیخته با قسط و عدل است. پس صلح نیز در این فضای معنایی به معنای پدیده‌ای آمیخته با عدالت، ارزشمند خواهد بود.

مقام معظم رهبری «صلح» را با شرط «عدالت» هدفی آرمانی می‌داند، نه صلح فارغ از عدالت را:

صلح آن زمان خوب است که عادلانه باشد. بسیاری برای رسیدن به عدالت، جنگ را انتخاب می‌کنند و در راه عدالت، می‌جنگند. پس پیداست که عدالت از صلح بالاتر و مهم‌تر است. حقیقت هم همین است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۴/۹/۲۹).

بنابراین منطق حاکم بر صلح، «عدالت» است و در نتیجه باید گفت: هر صلحی از دیدگاه مقام معظم رهبری ارزشمند نیست، بلکه اگر به معنای سکوت در برابر ظالم باشد، مذموم نیز هست.

۳. راهکارهای دستیابی به تفکر صلح‌آمیز اسلامی

یک اندیشه زمانی می‌تواند به صحنه اجرا نزدیک شود که راهکارهای عملیاتی داشته باشد، وگرنه تنها دفتری بر سر طاقچه است که خاک خورده و گشوده نخواهد شد. پس صلح نیز به‌مثابه یک نظریه و یک نوع تفکر، باید دارای راهکارهای عملیاتی باشد. بر همین اساس، ایجاد تفکر صلح‌آمیز نیازمند کاربست اصولی است که بتواند این تفکر را ایجاد کرده، رونق دهد و جامعه اسلامی را در فضایی امن قرار داده، آشتی ملل مسلمان را محقق سازد.

آیت‌الله خامنه‌ای طی سال‌های رهبری، همواره بر ایجاد وحدت به‌منزله اصلی اساسی تأکید کرده، اما نبود تفکر صلح‌آمیز در برخی کشورهای جهان عرب، موجب فاصله گرفتن مسلمانان و تنازعات شدید ستیزه‌جویانه در میان ایشان شده و مانعی بزرگ برای وحدت است. بنابراین باید به راهکارهایی اندیشید که بتواند صلح را محقق سازد. مقاله حاضر درصدد کشف راهکارها از مجموع بیانات امام خامنه‌ای است.

۱-۳. کارکرد همگرایی اسلامی در ایجاد تفکر صلح‌آمیز

سؤال مهم این است که جایگاه و ضرورت همگرایی چیست؟ و چگونه می‌توان از آن برای ایجاد تفکر صلح‌آمیز بهره گرفت؟

در پاسخ باید گفت: همگرایی در بعد بین‌المللی در سطح کشورهای اسلام، از سیاست‌های کلی نظام در جهت توسعه و پیشرفت محسوب می‌شود (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۷/۱۰/۲۱). این سیاست موجب همزیستی مسالمت‌آمیز و صلح‌طلبانه مسلمانان شده، حصراری در مقابل عداوت‌های دشمنان خواهد بود. از این‌رو دستیابی به آن، از دیدگاه مقام معظم رهبری، وسیله عزت و قدرت در جامعه است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۶/۷/۲۱)؛ زیرا موجب گردآوردن تمام اجتماع اسلامی گرد محور توحید است و این البته قدم اول محسوب می‌شود و با توجه به محوریت توحید در ادیان ابراهیمی، این اصل قابل امتداد خواهد بود.

اما باز سؤال باقی است که اتحاد جامعه اسلامی چه ضرورتی دارد؟ معظم‌له معتقد است: اتحاد بر گرد یک محور موجب احساس نزدیکی و برادری می‌شود و این اتفاق، ابعاد جامعه اسلامی را گسترش داده، تا ایجاد جامعه ایمانی فراخواهد رفت. این نزدیکی که رهاوردی همچون اقتدار دارد و عزت مسلمانان را به دنبال می‌آورد (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۵/۱۰/۲۵)، مانع واگرایی اصحاب مذاهب از یکدیگر و تمرکز بر تنازعات فکری و عقیدتی خواهد شد. بنابراین دستیابی به تفکر صلح‌آمیز در جوامع مسلمان از طریق همگرایی حاصل می‌شود و نتیجه آن برادری مذاهب است و اصلاً می‌توان گفت: صلح در میان مذاهب اسلامی چیزی جز احساس برادری نیست.

۳-۲. کارکرد نگاه تمدنی در دستیابی به تفکر صلح‌آمیز

«تمدن» اصطلاح غربی نیست و هرکس با اهداف نظام جمهوری اسلامی اندک آشنایی داشته باشد با این واژه نیز آشناست، هرچند همان‌گونه که «با حواحلوا گفتن، دهان شیرین نمی‌شود»، تکرار این واژه نیز موجب ایجاد و استقرار آن نخواهد شد، بلکه به تلاشی شایسته و بایسته نیاز است تا مطالبه امامین انقلاب و نقطه آرمانی نظام اسلامی محقق شود.

«تمدن» تکامل جامعه بشری است و باید این نکته را دانست که همان‌گونه که هر صلحی ارزشمند نیست، هر تمدنی نیز آرمان جمهوری اسلامی به‌شمار نمی‌آید. از نظر مقام معظم رهبری، تمدن معیار اسلامی در ماهیت و شاخصه‌ها با تاریخ ایران قبل از اسلام و تمدن بدوی آن دوران متفاوت است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۲/۷/۱۲). بنابراین منظور از «تمدن نوین اسلامی» نه بازگشت به تاریخ پادشاهی و امپراتوری ایران و نه شبیه‌سازی با تمدن غرب است؛ زیرا در حقیقت، تمدن اسلامی تمدن برتر غربی را از بین برده و آن را منفرض کرده است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۳/۶/۲۹).

حال سؤال این است که ماهیت تمدن اسلامی چیست؟ و کارکرد نگاه تمدنی در ایجاد تفکر صلح‌آمیز چگونه است؟ تمدن نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری، سراسر جهادی است و عناصر آن بنای «جامعه اسلامی»، «استحکام بخشیدن به ساخت قدرت ملی» و «اصلاح سبک زندگی» است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۲/۵/۱). واضح است که دستیابی به چنین آرمانی در گروه تحقق فضایی امن است که ماهیتی صلح‌آمیز دارد؛ زیرا بنای جامعه اسلامی و استحکام قدرت ملی هرگز در فضای تنازعات و قهرها و خصومت‌ها به‌دست نمی‌آید. این تمدن موجب ایجاد فضایی خواهد شد که انسان در آن از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی رشد کرده، به غایات مطلوب الهی دست می‌یابد (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۲/۶/۱۴).

اصولاً تمدن تکیه بر تفکر دارد؛ زیرا از نظر امام‌خامنه‌ای، تمدن اسلامی بر دو عنصر «تولید فکر» و «پرورش انسان» استوار است (پیام به اجلاس هزاره رهبران دینی، ۱۳۷۹/۶/۹). بنابراین «نوع تفکر»، عنصر اصلی تمدن است و از نظر مقام معظم رهبری، تفکری پسندیده است که موجب ایجاد برادری مذاهب با یکدیگر شود.

۳-۳. کارکرد بهره‌گیری از اشتراکات عقیدتی در تفکر صلح‌آمیز

فکر جانمایه انسانیت است و این جانمایه می‌تواند انسان را به اوج سعادت رساند یا به خاک مذلت بکشاند؛ زیرا متعلق فکر می‌تواند ارزش آن را تعیین کند. فکر می‌تواند در مسیرهای مختلف حرکت کرده، وحدت‌بخش یا تفرقه‌آفرین باشد. در این زمینه، علم منطقی به هنر درست اندیشیدن پر و بال داده، علوم گوناگون بر مبنای قوانین منطقی، به توسعه خویش پرداخته‌اند. نیز مغالطات و جدل‌ها راه درست اندیشیدن را به انحراف می‌برند.

انکون جای این سؤال است که در ارتباط مذاهب اسلامی، چه چیزی موجب تفکر صلح‌آمیز و ایجاد برادری میان ایشان می‌شود؟ در پاسخ به این سؤال، می‌توان به وجود اشتراکات و اختلافات در تفکر مذاهب اشاره کرد. البته اختلافات در عرصه عقاید، موجب یارکشی توده‌های مردم و فرقه‌های مختلف شده، گروه‌های اعتقادی را همواره به

مدح و ذم یکدیگر مشغول می‌کند. از این رو عقاید و افکار می‌توانند مبنای صلح و برادری بوده، یا آتش نفاق و اختلاف را روشن کنند.

اشتراکات عقیدتی اصولاً مقوله‌ای وحدت‌آفرین است که منجر به ایجاد روابط صلح‌آمیز و ایجاد دوستی خواهد شد. گمان عده‌ای بر این است که وحدت دنیای اسلام و صلح مسلمانان به معنای وجود یک فکر و یک عقیده در میان همه پیروان مذاهب است و وجود فکر و عقیده واحد، موجب یکدستی جامعه و همدستی در حل مسائل خواهد شد، در حالی که این طرز تفکر صحیح نیست. از دیدگاه مقام معظم رهبری، منظور از «وحدت» انصراف سنی و شیعه از عقیده خویش و اتخاذ عقیده سوم نیست؛ زیرا تغییر عقیده وابسته به تحقیق و تفحص و مطالعه هر کس و مسئله‌ای بین و بین الله است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۶۸/۷/۱۹). بنابراین راه صلح و آشتی میان مذاهب، لزوماً یکی شدن نیست.

یکی از مهم‌ترین راهکارها در رسیدن به صلح مذاهب، راندن تنازعات به محافل علمی و جمع کردن اختلافات از صحنه اجتماع است؛ زیرا جای بحث از تنازعات فکری و طرح مسائل اختلافی محافل و حلقه‌های علمی است. از این رو تولید فکر و حل تنازعات فکری کار علماست و نباید در بستر اجتماع، موجب آتش افروزی شود. بنابراین راهکار این است که صاحبان افکار مختلف در محافل علمی خویش، با استدلال به اثبات عقیده خود بپردازند. البته باید میان اثبات عقیده و جنگ‌افروزی حول آن تفاوت گذاشت؛ زیرا در اثبات یک فکر، اهانت به مقدسات یکدیگر مسئله‌ای مطرود است (همان).

بنابراین «اتحاد» به معنای همدلی و همدستی صاحبان عقاید اسلامی در برابر دشمن مشترک و نزدیکی فرقی گوناگون است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۶۸/۷/۲۴).

نتیجه اینکه راهکار عملیاتی مقام معظم رهبری در مقوله تنازعات فکری، طرح اختلافات و چالش‌ها در محافل علمی است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۵/۵/۳۰). این مباحث در زیست اجتماعی و سیاسی جامعه اثر مستقیم ندارد، اما کشاندن اختلافات به صحن اجتماع، همه چیز را تحت تأثیر قرار داده، جوامع اسلامی را روبه‌روی هم می‌نهد و موجب پیدایش فرق انحرافی و تکفیری و در نتیجه از بین رفتن صلح و آشتی خواهد شد. بنابراین، راهکار عملیاتی راه مباحثات عالمانه با رویکرد عقل‌گرایی است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۶۹/۷/۱۱).

۳-۴. کارکرد حرکت بر پایه اصول در ایجاد تفکر صلح‌آمیز

یکی از مسائل مهم در روشن شدن آتش تنازعات فکری و دور شدن از صلح و آشتی، نشناختن اصول از فروع و جانمایی فروع به‌جای اصول است. در توضیح این مطلب باید گفت: گاه محور و مرکز حرکت شناسایی نشده و همین آشفتگی موجب قهر و اختلاف است.

از نظر مقام معظم رهبری، «تقریب مذاهب» یک اصل است و به‌مثابه مهم‌ترین راهکار صلح پیروان مذاهب، ضروری محور حرکت در نظام اسلامی است؛ زیرا از دیدگاه قرآن، معتقدان به کتاب الهی، دین و قبله واحد با یکدیگر برادرند (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۳/۲/۱۸). از این رو باید همه بر یک محور تکیه کنند. حتی ایشان در تبیین این اصل معتقد است: تقریب تا آن حد ضروری است که در صورت تعارض با تکلیف شرعی و احتمال ایجاد اختلاف در

صورت عمل به تکلیف، باید مقدم داشته شود. ایشان معتقد است: در چنین مواقعی، آنچه تکلیف شرعی است، حرام بوده و حفظ وحدت واجب است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۶۸/۴/۱۲). بنابراین اصل وحدت، سرآمد سایر اصول قرار گرفته، در تنازع احتمالی با سایر اصول، تقدم خواهد داشت (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۶۹/۱۲/۱).

حال سؤال این است که محور وحدت مسلمانان باید چه باشد تا همه گرد آن جمع شوند؟ در دین مقدس اسلام، «وحدت» اصلی اساسی بر پایه توحید است که مظهر آن ذات مقدس باری تعالی است و همه براساس آیه «كُلُّ الْاِيْنَا رَاجِعُونَ» (انبیاء: ۹۳) و آیه «اِلَى اللّٰهِ الْمَصِيْرُ» (نور: ۴۲) به سوی او در حرکتند. بدین‌روی مهم‌ترین نقطه اشتراک که می‌توان آن را به وسعت ادیان معنا کرد، توحید الهی است. پس محور جمع گروه‌های اسلامی نزدیک‌سازی مسلمانان به یکدیگر بر محور توحید است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۹/۶/۱).

در نتیجه، اگر اصل محوریت یابد، صاحبان افکار و عقاید در اصول توافق حاصل کرده، خواهند دانست که اختلافات در فروع است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸/۵/۳) و البته ترجیح اصول بر فروع، موجب تجمع فرق گرد مشترکات خواهد شد (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۶/۱/۱۷).

۳-۵. کارکرد تکیه بر مظاهر وحدت در ایجاد تفکر صلح‌آمیز

گاهی در هنگام بروز قهر یا نزاع عقیدتی، باید به دنبال یک نقطه امید برای شروع دوباره بود و مظاهر وحدت مشعل امید برای مسلمانان محسوب می‌شود؛ زیرا در میان فرق اسلامی، نقاط اشتراک فراوان است. وجود مقدس پیغمبر ﷺ، قرآن، وجود مبارک حضرت علی علیه السلام، قبله مشترک، نمازهای جمعه و جماعت و نماز اعیاد و جشن اعیاد بزرگ اسلامی از مشترکات اعتقادی فرقه‌های اسلامی است.

وجود مقدس پیغمبر ﷺ بهترین مرکز وحدت عالم اسلام و نقطه جامعیت همه مسلمانان است (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۷۹/۳/۳۱) و قرآن نیز از اهم عوامل وحدت همه مسلمانان محسوب می‌شود (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۰/۴/۱۴).

نیز وجود مبارک امیرالمؤمنین علیه السلام و عملکردشان پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و چشم‌پوشی از حقشان به علت تأکید عملی بر وحدت امت اسلامی، الهام‌بخش اهمیت برادری مسلمانان است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸/۴/۱۵). ایشان نقطه به هم رسیدن فرقه‌هاست؛ زیرا به‌عنوان امام یا خلیفه، مقبول مسلمانان است. بنابراین هیچ طرفی نمی‌تواند ادعا کند که امیرالمؤمنین علیه السلام متعلق به اوست (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۷/۴/۲۶). ایشان نقطه وحدت و مورد خضوع همه دنیای اسلام، بجز عده قلیلی به نام «نواصب» است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۳/۸/۱۵). بنابراین می‌توان از وجود ایشان برای همدلی میان مسلمانان بهره برد.

حتی ایشان معتقد است: تبیین درست مسئله «غدیر» می‌تواند در میان مذاهب اسلامی وحدت‌آفرین باشد (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۱/۸/۱۰) و نباید اجازه داد دشمن از این عید بزرگ برای خصومت‌آفرینی بهره‌جویی کند، در حالی که این عید می‌تواند به‌منزله عید کامل شدن دین، صلح‌آفرین باشد.

همچنین حج بهترین جایگاه برای دشمن‌ستیزی و «برائت از مشرکان» است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۱/۷/۳) که می‌تواند محفلی بزرگ برای جمع پیروان مذاهب و آشتی ایشان و حل و فصل خصومت‌ها

باشد تا اراده‌ها در برابر دشمن واحد یکی شده، تفکر صلح‌آمیز در جهت تأمین زیرساخت‌های تمدن ایجاد شود؛ زیرا فریضه «حج» موجب کم‌رنگ شدن فارق‌ها و پرننگ شدن جهات اشتراک و اتحاد بین ملت‌های گوناگون است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۵/۹/۱) و منجر به کشف نقشه‌های خائنه دشمن نیز خواهد شد (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۱/۸/۴).

اما در میان همه مظاهر، «قدس» به وضوح، نشانه نفرت را مشخص کرده و نوک پیکان را به سمت دشمن مشترک مسلمانان می‌گیرد. بنابراین روز «قدس» یکی از جلوه‌های حقیقی اتحاد و انسجام دنیای اسلام به‌شمار می‌آید (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۷/۷/۱۰) که همه را با هر تفکر و گرایشی با هم علیه یک دشمن مشترک، متحد و همراه می‌کند؛ زیرا به تعبیر مقام معظم رهبری، خبیث‌ترین حیل‌ها برای شکستن وحدت مسلمانان، غصب سرزمین فلسطین بوده است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۹/۱۰/۷) که مبارزه علیه آن موجب نزدیک شدن قلب‌ها و تفکرها و اهداف در سرزمین‌های اسلامی است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۵/۱۱/۲۱). بنابراین قدس می‌تواند محور صلح مذاهب و حتی آزادی‌خواهان جهان حول یک هدف مشترک باشد.

اساساً تمام اجتماعاتی که مسلمانان در آن گرد هم می‌آیند مانند عید فطر (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۷/۷/۱۰) و نماز جماعت در دو عید فطر و قربان، موجب احساس نزدیکی مسلمانان گرد یک محور مشترک خواهد شد (بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ۱۳۷۵/۱۱/۲۱) که می‌تواند عید آشتی کنان دل‌های مسلمانان در ابعاد ملی و بین‌المللی محسوب شود (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۶/۷/۲۱).

نتیجه‌گیری

عمل ریشه در فکر دارد، و نوع تفکر سطح و نوع عمل را نیز تعیین می‌کند. تفکر الهیاتی به دنبال ساختن جامعه‌ای توحیدی است و تفکر الحادی انسان و تمیئات او را محور قرار داده، بر بنیاد خواسته‌های انسان استوار است. جنگ و صلح دو مقوله متقابلی است که در تمام طول تاریخ، با سرنوشت جوامع بشری عجین شده است. در میان این دو مقوله متقابل، هیچ کدام اصالتاً مطرود یا محبوب نیست؛ زیرا گاه جنگ برای دفاع از آرمانی بزرگ اتفاق می‌افتد یا متجاوزی را از صحنه خارج خواهد کرد که به‌منزله دفاعی مقدس است و گاه خاکی را به ویرانی می‌کشاند و موجب تجاوز ظالمانه به حریمی می‌شود که جنگی مذموم است.

به همین وزن، صلح نیز به‌خودی‌خود ممدوح و ارزشمند نیست. گاه صلح از منظر یک متجاوز، به معنای سکوت مظلوم در مقابل چنگال ظالم است. صلح ارزشمند دارای شاخصه‌هایی است که مهم‌ترین شاخصه آن «عدالت» است. معنای «تفکر صلح‌آمیز اسلامی» نیز صلح عدالت‌طلبانه است که برای دستیابی به جامعه‌ای امن و تمدن نوین اسلامی باید حاصل شود. در این مسیر، همگرایی مذاهب به معنای رفع خصومت‌ها، قهرها و فاصله‌گذاری‌های تفرقه‌انگیز میان مسلمانان، تفکر ملل را به سمت آشتی و صلح هدایت کرده که سرآغاز آبادانی است. همچنین ارتقای سطح تفکر در حد تفکر تمدنی، حرکت در مسیر اصول و اشتراکات عقیدتی و تأکید بر نمادهای مشترک اسلامی، می‌تواند تفکر صلح‌آمیز را رشد داده، منجر به برادری ملت‌های مسلمان شود.

پیشنهاد می‌شود هریک از راهکارهای ذکرشده در مقاله، توسط مسئولان امر به صورت برنامه اجرایی در سطح بین‌المللی تدوین گردد؛ زیرا راهکار عملیاتی شدن نیازمند برنامه اجرایی، فازبندی اجرا و تعیین منابع است؛ مثلاً در بحث استفاده از مظاهر وحدت، می‌توان در اجلاس ائمه جمعه سراسر کشور، به وفاقی جمع دست یافت تا از هریک از مظاهر برای ایجاد برادری دینی بهره‌گیری شود. نیز می‌توان با تبیین چگونگی دستیابی به تمدن اسلامی، عالمان شیعه و اهل سنت را به نقش وفاق مسلمانان در اصلاح و پیشرفت جامعه اسلامی آگاه کرد و برای سازمان‌های اثرگذار اسلامی، نقش‌های آشتی‌جویانه ترسیم نمود.

منابع

- ابن خلدون، عبدالرحمن، ۱۳۹۱، *مقدمه ابن خلدون*، چ سیزدهم، تهران، علمی و فرهنگی.
- ازهری، محمدبن احمد، ۱۴۲۱ق، *تهذیب اللغة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- آذین، احمد و همکاران، ۱۳۹۳، «وحدت جهان اسلام از دیدگاه امام خمینی علیه السلام»، *مطالعات سیاسی*، ش ۲۳، ص ۱۸۷-۲۰۸.
- آقابخشی، علی و مینو افشاری‌راد، ۱۳۸۶، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران، چاپار.
- آقایی، محمدتقی و مجتبی سلطانی، ۱۳۹۳، «گفتمان وحدت و همگرایی امت اسلامی در اندیشه سیاسی امام خامنه‌ای»، *اندیشنامه ولایت*، ش ۴، ص ۸۳-۱۰۰.
- بریسکمن، لیندا، ۱۳۹۹، «ایجاد تفاهماتی برای صلح، عدالت و حقوق بشر»، *حقوق بشر*، دوره پانزدهم، ش ۳۰، ص ۱۲۵-۱۳۶.
- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با اقشار گوناگون مردم و مسئولان، در: Khamenei.ir
- جوهری، اسماعیل‌بن حماد، ۱۳۷۶ق، *الصحاح*، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دارالعلم للملایین.
- خامنه‌ای، سیدمحمد، ۱۳۸۱، «صلح جهانی، زیر سایه عدالت جهانی»، *کتاب نقد*، ش ۲۴ و ۲۵، ص ۱۵۹-۱۷۸.
- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۳، *لغتنامه دهخدا*، چ دوم، تهران، روزنه.
- راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد، ۱۴۱۲ق، *مفردات الفاظ قرآن*، بیروت، دار القلم.
- صاحب‌بن عباد، اسماعیل، ۱۴۱۴ق، *المحیط فی اللغة*، بیروت، عالم الکتب.
- عمید، حسن، ۱۳۸۹، *فرهنگ عمید*، چ سوم، تهران، فرهنگ نما.
- فراهیدی، خلیل‌بن احمد، ۱۴۰۹ق، *العین*، چ دوم، قم، هجرت.
- قاسمی، زهرا و سیدمحمدامین حسین، ۱۳۹۲، «جایگاه وحدت و انسجام در اسلام با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری»، *اسلام و علوم اجتماعی*، ش ۹، ص ۱۴۷-۱۶۵.
- معین، محمد، ۱۳۷۸، *فرهنگ فارسی معین*، چ پنجم، تهران، امیرکبیر.
- ولایتی، علی‌اکبر و رضاسعید محمدی، ۱۳۸۹، «تحلیل تجارب همگرایی در جهان اسلام»، *دانش سیاسی*، سال ششم، ش ۱، ص ۱۷۹-۱۵۹.